

ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان

دکتر اصغر جعفری ولدانی*

چکیده

ژئوپلیتیک تنگه هرمز یکی از عوامل مؤثر و پایدار در روابط ایران و عمان است. ایران و عمان به ترتیب در بخش شمالی و جنوبی تنگه هرمز واقع شده‌اند. این امر به‌رغم تحولات منطقه‌ای و جهانی دو کشور را ملزم به داشتن روابط حسنه با یکدیگر کرده است. ایران و عمان رابطه تنگاتنگی میان حفظ امنیت تنگه هرمز و امنیت خود قائل هستند. این مسئله انگیزه دو کشور را به داشتن روابط نزدیک و دوستانه تشدید می‌کند. ایران و عمان به این حقیقت واقف هستند که هرچه تغییر کند، عامل جغرافیایی تغییر نمی‌کند. نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان در تنگه هرمز، دورافتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژی تنگه هرمز ایران و عمان را ملزم به داشتن روابط حسنه با یکدیگر کرده است. بر

* عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (tjvemail@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲۸

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۶۷-۳۵.

همین اساس و به‌رغم اینکه عمان همواره روابط نزدیکی با امریکا داشته و به‌تازگی نیز روابط خود را با اسرائیل توسعه داده، اما این امر در روابط دوستانه ایران با آن کشور تأثیری نداشته است. در این مقاله نقش تنگه هرمز از نظر تاریخی، اقتصادی، استراتژیکی و امنیتی در روابط ایران و عمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، تنگه هرمز و اقیانوس هند، امنیت، نفت و گاز، چرخش حاکمیت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تنگه از نظر جغرافیایی به باریکه‌ای از آب گفته می‌شود که دو دریای مجاور را به طور طبیعی به یکدیگر متصل می‌کند. تنگه هرمز یکی از آبراه‌هایی است که خلیج فارس و دریای عمان را به هم پیوند می‌دهد. ایران در بخش شمالی تنگه و عمان در بخش جنوبی آن واقع شده‌اند. تنگه‌ها می‌توانند عامل جدایی دو سرزمین مجاور خود باشند مانند تنگه «دور» که انگلستان را از فرانسه جدا می‌کند. در اینجا منظور جدایی جغرافیایی نیست بلکه از نظر سیاسی است. تنگه‌ها همچنین می‌توانند پیوندهنده دو سرزمین مجاور خود باشند. تنگه هرمز هرچند از نظر جغرافیایی، ایران و عمان را از هم جدا کرده، ولی در عین حال کانال ارتباطی بین دو کشور بوده است. این همجواری تأثیرات عمده‌ای در روابط بین دو کشور داشته است.

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی در مورد ابعاد مختلف اهمیت تنگه هرمز منتشر شده است. *علی اصغر کاظمی* در کتاب *ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس رژیم حقوقی تنگه هرمز* را مورد بررسی قرار داده است. در کتاب *محمد رضا حافظ‌نیا* به نام *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز* ابعاد طبیعی، سیاسی، استراتژیکی و ژئوپلیتیکی تنگه هرمز مورد بررسی قرار گرفته است. در کتاب *خلیج فارس و مسائل آن* نوشته *همایون الهی*، یک فصل به ویژگی‌های جغرافیایی و وضعیت حقوقی تنگه هرمز اختصاص یافته است. کتاب *خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌الملل* گردآوری *عباس امیری*، سیاست قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه را در خلیج فارس بررسی کرده و به نقش نفت خلیج فارس در اقتصاد جهانی می‌پردازد.^(۱) *روح‌الله رضانی* در کتاب *خلیج فارس و تنگه هرمز* نقش تنگه هرمز در اقتصاد جهانی، سیاست امریکا و روسیه در خلیج فارس و

بحران‌های تنگه هرمز (مسئله جزایر تنب و ابوموسی و جنگ ظفّار) را بررسی کرده است.^(۳) در کتاب سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی نوشته عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کتاب روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰ نوشته علیرضا ازغندی در مورد روابط ایران و عمان فقط به نقش ایران در سرکوبی جنبش ظفّار اشاره شده است. به‌طورکلی ادبیات موجود در این زمینه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول ادبیات مربوط به خلیج فارس است. دسته دوم منابع مربوط به روابط خارجی ایران است. در این منابع تنها مطلبی که در مورد روابط ایران و عمان دیده می‌شود، مربوط به مشارکت ایران در جنگ ظفّار است. به این ترتیب آنچه در ادبیات موجود مورد بررسی قرار نگرفته نقش تنگه هرمز در روابط بین ایران و عمان است.

روابط بین کشورها معمولاً تابع ملاحظات سیاسی و اقتصادی است، اما مناسبات بین ایران و عمان بیش از آنکه از ملاحظات سیاسی نشئت بگیرد، تحت تأثیر عوامل دیگری بوده است. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مناسبات بین ایران و عمان بیشتر تحت تأثیر چه عواملی بوده و هست. فرض مقاله این است که روابط بین ایران و عمان بیش از هر عامل دیگری متأثر از ژئوپلیتیک تنگه هرمز است. بر این اساس هدف این مقاله بررسی نقش ژئوپلیتیکی تنگه هرمز در روابط بین ایران و عمان است.

در این مقاله دلایل اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز، نقش تنگه هرمز در روابط ایران و عمان، تنگه هرمز و چرخش حاکمیت، نقش منطقه‌ای ایران در تنگه هرمز و اقیانوس هند، ایران و عمان و مسائل تنگه هرمز و خلیج فارس، امنیت تنگه و نقش ایران و عمان و سرانجام همکاری‌های ایران و عمان در پروژه‌های نفت و گاز در تنگه هرمز و امکان احداث خط لوله انتقال گاز دو کشور به بازارهای آسیا به‌ویژه هند و چین بررسی شده است.

دلایل اهمیت ژئوپلیتیکی تنگه هرمز

ژئوپلیتیک مطالعه تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست دولت‌هاست. دولت‌ها با توجه به ملاحظات جغرافیایی خود سیاست‌گذاری می‌کنند. ناپلئون گفته بود: «سیاست

دولت‌ها در جغرافیای آنان است».^(۳) به گفته وی «اگر می‌خواهید سیاست یک کشور را درک کنید به نقشه جغرافیایی آن نگاه کنید».^(۴) همچنین به گمان بارس سیاست بر «زمین و مردگان» یعنی بر جغرافیا و تاریخ پایه‌گذاری شده و این دومی بستگی زیادی به اولی دارد.^(۵)

عوامل جغرافیایی متعدد هستند و یکی از آنها موقعیت جغرافیایی است. موقعیت جغرافیایی کشورها نقش مهمی در سیاست خارجی آنها دارد. به عقیده اسپایکمن موقعیت جغرافیایی یک کشور با سیاست خارجی آن تطابق اساسی دارد.^(۶) موریس دوورژه می‌گوید اگر فرانسه را به اقیانوس آرام منتقل کنیم، سه‌چهارم اهمیت سیاسی آن در جهان از میان خواهد رفت. پس سه‌چهارم این اهمیت سیاسی به موقعیت جغرافیایی بستگی دارد. هرچند چنین فرضی محال است، اما خود بیانگر اهمیت موقعیت جغرافیایی است.^(۷)

یکی از این موقعیت‌های جغرافیایی، قرار گرفتن در کنار تنگه‌هاست. تنگه‌ها اهمیت ارتباطی، اقتصادی، نظامی و استراتژیکی دارند. به همین دلیل از دیرباز مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بوده‌اند. آدمیرال فیشر و فیلیپ کلمب از تنگه‌های هرمز، مالاکا، دوور، جبل الطارق، سوئز، سنگاپور و امید نیک به عنوان کلیدهای جهان نام برده‌اند.^(۸) تنگه‌ها از نظر حمل‌ونقل کالا به‌ویژه نفت نقش مهمی دارند و بستن آنها منجر به بروز بحران در اقتصاد جهانی خواهد شد. تنگه‌ها همچنین کوتاه‌ترین راه برقراری ارتباط بین دو خشکی مجاورشان هستند. تنگه‌ها در قدرت ملی و سیاست خارجی کشورها تأثیرگذارند و در استراتژی‌های نظامی بری و بحری مورد توجه قرار می‌گیرند. در نتیجه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی در آنها با هم هماهنگ و منطبق می‌شود. تنگه‌ها به کشورهای مجاور امکان می‌دهند تا رفت‌وآمد در آنها را کنترل کنند و به همین دلیل ارزش استراتژیک دارند.^(۹)

در میان تنگه‌های استراتژیک جهان، تنگه هرمز اهمیت ویژه‌ای دارد. تنگه هرمز به دلیل عبور نفت‌کش‌ها، مهم‌ترین گذرگاه استراتژیک جهان است، زیرا بیش از ۴۰ درصد ترانزیت دریایی - نفتی جهان از این تنگه می‌گذرد. تنگه هرمز یکی از نه آبراه کلیدی جهان است.^(۱۰) روزانه ۱۵ نفت‌کش از تنگه هرمز عبور می‌کنند.^(۱۱) این نفت‌کش‌ها به طور متوسط ۱۷/۴ میلیون بشکه نفت را از تنگه هرمز به هند، چین،

ژاپن، اروپا و امریکا حمل می‌کنند.^(۱۲) مقدار نفتی که روزانه از طریق تنگه مالاکا، باب المندب و کانال سوئز حمل می‌شود به ترتیب عبارتند از ۱۳، ۳/۵ و ۳/۹ میلیون بشکه در روز^(۱۳) و این مسئله اهمیت استراتژیک تنگه هرمز را در مقایسه با تنگه‌های مذکور نشان می‌دهد.

ترافیک سنگین تانکرهای نفتی و کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز و باریکی تنگه^(۱۴) و وجود تعداد زیادی جزیره و صخره نزدیک کانال‌های قابل تردد و نگرانی از مسدود شدن تنگه در شرایط خاص، ایجاب می‌کند که عبور و مرور از تنگه تابع مقررات خاصی باشد.^(۱۵) کنوانسیون حقوق دریاها مصوب ۱۹۸۲ مقرراتی را در مورد تنگه‌های بین‌المللی وضع کرده است. اما رژیم حقوقی تنگه هرمز بسته شرایط زمانی متفاوت است.^(۱۶)

از سوی دیگر مسائل یادشده موجب می‌شود در تنگه هرمز طرح‌های تفکیک تردد به مورد اجرا گذاشته شود. هدف از این طرح‌ها یا آزادراه‌های دریایی پیشگیری از برخورد شناورها و ضایعات ناشی از آن است. این هدف در عمل از طریق جداسازی مسیرهای رفت و برگشت و کنترل سرعت شناورها تحقق می‌یابد. از مجموع ۹۰ طرح تفکیک تردد در سطح جهان، دو طرح آن به تنگه هرمز اختصاص دارد که نمایانگر فشردگی تردد در این آبراه است. در این طرح‌ها سه مسیر موازی و هم‌عرض در نظر گرفته شده که مسیر میانی به عنوان منطقه تفکیک، دو مسیر رفت و برگشت را از هم جدا می‌کند. مسیر شمالی به طرف غرب و مسیر جنوبی به طرف شرق یک‌طرفه است و عرض هر یک از دو مسیر رفت و برگشت و منطقه تفکیک یک مایل دریایی است و شناورها مجاز نیستند وارد منطقه تفکیک شوند. یکی از دو طرح تفکیک تردد در آب‌های سرزمینی عمان و از یک‌مایلی شمال جزیره قوئین بزرگ می‌گذرد. طرح دوم در اطراف جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و فارور قرار دارد و این جزایر دو مسیر رفت و برگشت را از هم جدا می‌کند.

ایجاد آزاد راه‌های دریایی در آب‌های سرزمینی برای کشور ساحلی حق نظارت بر رفت و آمد شناورهای بین‌المللی را ایجاد می‌کند. در مورد طرح به اجرا درآمده در دو طرف جزایر تنب بزرگ و کوچک و فارور، چون مسیر شمالی این

طرح در آب‌های سرزمینی ایران قرار دارد، طبق اصل اول مقررات مربوط به کشتیرانی بین‌المللی، نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها بر عهده دولت ایران است و طبق اصل سوم همان مقررات، دولت ایران حق دارد هزینه ارائه خدمات مخابراتی و نصب علائم کمک‌ناوبری را دریافت کند. گذشته از آن، وجود این طرح بر اهمیت استراتژیک جزایر مذکور افزوده است. به همین دلیل دولت ایران برای حرکت کشتی‌ها به سوی این جزایر محدودیت‌هایی را اعمال داشته است.^(۱۷)

از سوی دیگر چون طرح دیگر تفکیک تردد تنگه هرمز، به‌طورکلی داخل آب‌های سرزمینی عمان قرار دارد، از نظر حقوقی، قاعدتاً مسئول نظارت بر آن دولت عمان است، ولی با توجه به اینکه تنگه هرمز تنگه‌ای بین‌المللی است که بین دو کشور ایران و عمان واقع شده است، طبق موافقت‌نامه‌ای که در مارس ۱۹۷۴ بین دو دولت منعقد شده، مسئولیت دفاع از تنگه هرمز و نظارت بر تردد دریایی آن به طور مشترک بر عهده دو دولت است.^(۱۸)

نقش تنگه هرمز در روابط ایران و عمان

تنگه هرمز در گذر سده‌ها نقش ارتباطی، اقتصادی، استراتژیکی، امنیتی و نظامی بین ایران و عمان را به شرح زیر ایفا کرده است:

۱. ارتباط بین ایران و عمان: تنگه هرمز اهمیت ارتباطی خود را بین ایران و عمان از گذشته‌های دور تا به امروز همچنان حفظ کرده است. تنگه هرمز به علت فاصله کم، گذرگاهی طبیعی برای مهاجرت ایرانیان به عمان بوده است. نیمی از مردم شبه‌جزیره مسندم (بخش شمالی عمان در تنگه هرمز) در اصل ایرانی هستند. ساکنان این شبه‌جزیره از قبیله شیخوچ هستند. این قبیله مرکب از دو قوم اصلی یکی قوم عرب و دیگری قوم ایرانی است. وزارت اطلاعات عمان، در کتاب عمان در این مورد می‌نویسد: تصور می‌شود که قوم ایرانی در اصل، بلوچ باشند ولی مشخص نیست از چه زمانی وارد این منطقه شده‌اند. آنچه قطعی است، آنها در گذشته منطقه وسیع‌تری را در اختیار داشته‌اند.^(۱۹) شواهد بیانگر آن است که قوم ایرانی شیخوچ احتمالاً از ساکنان اصلی شبه‌جزیره مسندم بوده‌اند. زبان این قوم فارسی است که البته با فارسی امروز متفاوت است. این مسئله خاص قوم ایرانی

نیست، بلکه زبان قوم عرب هم با زبان عربی امروز بسیار تفاوت دارد. همچنین بخش قابل توجهی از ساکنان منطقه باطنه را ایرانی‌ها و عمدتاً بلوچ‌های ایرانی تشکیل می‌دهند. به نوشته پرفسور هادی حسن محقق برجسته عرب، بیشتر مردم عمان از دیرباز ایرانی‌نژاد و ایرانی‌تبار و فرزندان پارسیان بوده‌اند و اقوام عرب در این مناطق کم بوده‌اند.^(۲۰)

تنگه هرمز تنها یک کانال ارتباطی بین مناطق جنوبی ایران و عمان نبوده، بلکه گذرگاه انتقال فرهنگ و تمدن ایران زمین به عمان نیز بوده است. ایرانیان در عمان شهرهای جدیدی بنا کردند، کشاورزی را توسعه دادند و سیستم آبیاری قنات را در این کشور ایجاد کردند که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. امروزه با توجه به تحولاتی که در سیستم حمل‌ونقل به وجود آمده، تنگه هرمز، به عنوان نقطه اتصال سیستم حمل‌ونقل عمان به سیستم حمل‌ونقل ایران، از اهمیت زیادی برخوردار شده است. هم‌اکنون بندرعباس مهم‌ترین بندر ایران در تنگه هرمز به دو سیستم حمل‌ونقل جهان مرتبط شده است، یکی سیستم حمل‌ونقل جنوب به شمال است که بندرعباس را به آسیای مرکزی وصل می‌کند و دیگری سیستم حمل‌ونقل شرقی - غربی یا همان راه آهن اکو است. عمان با اتصال به این شبکه‌ها به آسیای مرکزی و اروپا دسترسی پیدا می‌کند.

۲. اقتصاد ایران و عمان: اقتصاد ایران با تنگه هرمز پیوند خورده است. امروزه سرنوشت اقتصاد ایران را تنگه هرمز تعیین می‌کند. تنگه هرمز شاه‌رگ اقتصاد ایران است. حدود ۸۰ درصد تجارت خارجی ایران از طریق تنگه هرمز صورت می‌گیرد. تمام نفت ایران از تنگه هرمز صادر می‌شود. ایران برخلاف بسیاری از کشورهای خلیج فارس فاقد خط لوله انتقال نفت است و از این نظر اقتصاد آن کاملاً به تنگه هرمز وابسته است. عراق و عربستان دارای خطوط لوله انتقال نفت هستند و بخشی از نفت خود را از این طریق صادر می‌کنند. به این ترتیب ایران دارای منافع حیاتی در تنگه هرمز است.

عمان وابستگی زیادی به تنگه هرمز ندارد. نیاز عمان به تنگه هرمز به مبادلات تجاری این کشور با سایر کشورهای خلیج فارس محدود می‌شود. عمان تنها کشور حوزه خلیج فارس است که فاقد بندرگاه عمده در خلیج فارس است. عمان ۲۰۰۰

کیلومتر ساحل در کنار دریای عمان دارد. در این کناره طولانی عمان دارای بنادر متعددی است. این امر سبب شده که عمان از دیرباز به سوی اقیانوس هند نظر داشته باشد. بر همین اساس در گذشته نفوذ عمان تا سواحل شرقی افریقا از جمله زنگبار و بخشی از سواحل مکران پاکستان می‌رسیده است.^(۳۱) با این حال تنگه هرمز به علت دارا بودن ذخایر نفت و گاز برای عمان اهمیت دارد. برخی از این ذخایر میان ایران و عمان مشترک است؛ لذا بهره‌برداری از آنها همکاری مشترک دو کشور را می‌طلبد. این امر یکی از مسائلی بوده که سبب برقراری روابط نزدیک‌تر بین دو کشور شده است.

۳. اهمیت استراتژیکی تنگه برای ایران و عمان: تنگه هرمز سبب افزایش اهمیت استراتژیکی ایران و عمان در سطح منطقه و جهان شده است. ایران و عمان با در اختیار داشتن سواحل شمالی و جنوبی تنگه هرمز، کنترل آن را در اختیار دارند. وابستگی کشورهای خلیج فارس و کشورهای صنعتی جهان به تنگه هرمز، موجب شده تا ایران و عمان در صحنه روابط بین‌الملل از نقش مهمی برخوردار شوند. البته ایران به علت برخورداری از مزایای ژئوپلیتیکی، نقش اصلی را بر عهده دارد. ایران به دلایل زیر، از موقعیت برتری در مقایسه با عمان در تنگه هرمز برخوردار است: ۱) وسعت زیاد؛ ۲) جمعیت زیاد همراه با مشخصه‌های فرهنگی و اعتقادی قدرت‌آفرین؛ ۳) طول ساحل بیشتر در تنگه؛ ۴) نیروی نظامی کمی و کیفی؛ ۵) ذخایر نفت و گاز زیاد؛ ۶) فضا و توپوگرافی مناسب در ساحل شمالی تنگه برای گسترش و آرایش نیروهای نظامی مدافع تنگه؛ ۷) داشتن نیروی دریایی پیوسته همراه با وحدت فرماندهی در شرق و غرب و داخل تنگه؛ ۸) برخورداری از جزایر استراتژیکی که تکیه‌گاه‌های دفاعی تنگه هستند نظیر قشم، هنگام، لارک، هرمز، ابوموسی و تنب‌ها؛ ۹) برخورداری از توانایی‌های فنی و تکنیکی برای کنترل تنگه. برعکس عمان در تنگه هرمز یعنی شبه‌جزیره مسندم، به دلیل وسعت کم، کوهستانی بودن، توپوگرافی نامناسب، عدم پیوستگی سرزمینی با سرزمین اصلی و نبود جزایر و سواحل مناسب برای واحدهای عملیاتی، فاقد ارزش استراتژیکی و نظامی مناسب است و امکان ایجاد وحدت فرماندهی و اجرای عملیات نظامی و دفاعی هماهنگ در آن وجود ندارد، بلکه تنها برای ایجاد پُست‌های دیده‌بانی و

شنود و پایگاه‌های گشت دریایی محدود مناسب است.^(۲۲)

۴. ژئواستراتژی تنگه و ایران و عمان: دهلیز جنوبی فلات ایران رو به تنگه باز می‌شود و یکی از بزرگ‌ترین مسیرهای ارتباطی داخل فلات ایران به تنگه هرمز مسیر کرمان به بندرعباس است. کنترل و حفاظت از بندرعباس، به مفهوم حفاظت از امنیت ایران است و این موضوع آسیب‌پذیری و تهدید از حاشیه جنوبی آن را کاهش می‌دهد. کنترل تنگه از سوی ایران، به معنی حفظ پیوستگی سواحل جنوبی ایران و حفظ ارتباط واحدهای دریایی ایران است و حفظ این وحدت، امکان دفاع از سواحل جنوبی ایران را راحت‌تر می‌کند؛ حذف تنگه از قلمرو ایران، به معنی محدود شدن آن در خشکی و دسترسی به دریای بسته خلیج فارس است و ایجاد وحدت فرماندهی بین پایگاه‌ها و واحدهای سواحل دریای عمان و خلیج فارس را مشکل خواهد کرد؛ بنابراین، تنگه هرمز نقشی اساسی در برخورداری ایران از نیروی دریایی و افزایش قدرت آن را دارد.^(۲۳)

تنگه هرمز همچنین برای دفاع از شبه‌جزیره مسندم عمان حائز اهمیت بسیار است. عمان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. قسمت شمالی کشور یعنی شبه‌جزیره مسندم به وسیله امارات عربی متحده از قسمت جنوبی کشور جدا شده است. این گسستگی سرزمینی موجب شده تا عمان از نظر حفظ امنیت سرزمینی، عملیات نظامی و کنترل تنگه هرمز با مشکلات جدی مواجه باشد. به‌ویژه شبه‌جزیره مسندم، منطقه‌ای کوچک، کوهستانی، دارای سواحل باریک و جزایر و شبه‌جزایر متعدد است که دفاع از آن را مشکل می‌سازد. این مسئله سبب شده تا عمان برای حفظ امنیت این قسمت از سرزمین خود به ایران و یا قدرت‌های غربی متکی باشد.

تنگه هرمز و چرخش حاکمیت

موقعیت استراتژیکی تنگه هرمز سبب شده تا در طول تاریخ، ایران و عمان تلاش کنند که سواحل دو طرف آن را در اختیار داشته باشند. سیلاک دریا سالار هخامنشی ۲۵ قرن پیش معتقد بود هر کشوری که بر سه نقطه کلیدی تسلط داشته باشد، بر جهان حکومت خواهد کرد. این سه نقطه کلیدی عمان، بحرین و یمن بودند که در

استراتژی‌های بحری اهمیت بسیار دارند. استراتژی بحری ایرانیان به مدت ۲۳ قرن یعنی از قرن پنجم پیش از میلاد تا قرن هجدهم، تسلط بر این نقاط بود و در قسمت عمده این اعصار، بر این نقاط کلیدی و استراتژیک مسلط بودند. سیاست ایرانیان تسلط بر تنگه هرمز و کنترل آن بود. این مسئله ایجاب می‌کرد که سواحل دو طرف آن را در اختیار داشته باشند به همین دلیل لازم بود عمان بخشی از قلمرو ایران باشد. از این رو تنگه هرمز، یک تنگه داخلی ایران بود. ایرانیان از اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز دو هدف عمده اقتصادی و نظامی را دنبال می‌کردند. هدف اقتصادی آنها تسلط بر مسیرهای حمل و نقل تجاری و هدف نظامی آنها مقابله با قدرت‌های دریایی آن روزگاران یعنی یونانیان، رومیان و عثمانی بود.

کوروش بزرگ بنیان‌گذار امپراتوری پارس در قرن ششم پیش از میلاد عمان را تصرف کرد و سیستم مشهور آبیاری زیرزمینی فلج را در این کشور احداث کرد.^(۲۴) این شبکه آبیاری هم‌اکنون نیز در عمان فلج یا افلاج نامیده می‌شود. در روزگار هخامنشیان سرزمین‌های مسندم از آن یک ایرانی به نام *دارا* پسر بهمن بود. هرودت عمان را بخشی از «ساتراپ چهاردهم» ایران هخامنشی می‌داند.^(۲۵) در روزگار اشکانیان نیز عمان قسمتی از ایران بود.^(۲۶) در این دوره که تجاوز سیاه‌پوستان به سواحل خلیج فارس، افزایش یافته بود، پارتیان ناچار به لشکرکشی به عمان و تصرف کامل آن شدند.^(۲۷) در دوره ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴) حکومت ایرانیان بر عمان استوارتر شد. بر اساس نوشته‌های تاریخ یعقوبی و تاریخ طبری، عمان که در آن زمان مارون نامیده می‌شد، تحت حکومت ساسانیان بوده است. *شاپور اول* در کتیبه «کعبه زرتشت» عمان و «مزون» را قسمتی از امپراتوری خود می‌داند.^(۲۸) خسرو *انوشیروان* در سال ۵۴۲ میلادی نیروی دریایی بزرگی را برای تصرف نقاط آباد و استراتژیک عمان فرستاد. نیروهای وی تا «رأس الحد» عمان پیش رفتند و این مناطق را تصرف کردند.

خسرو انوشیروان سپس برای استحکام بخشیدن به حاکمیت تاریخی ایرانیان بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس، سازمان حکومتی کهن را دگرگون کرد و سازمان نوینی زیر نظر دو طبقه از نظامیان و زمین‌داران به وجود آورد. این دو طبقه را در آن هنگام «اسواران» و «مرزبانان» می‌نامیدند. این طبقه‌ها به طور مستقیم در برابر

فرماندار مستقر در «رستاق» واقع در بخش داخلی عمان مسئول بودند. رستاق که هنوز هم در کشور عمان وجود دارد به ۳ دلیل به عنوان مرکز حکومت ایران در مازون (عمان) انتخاب شده بود. نخست اینکه رستاق دسترسی نسبتاً آسانی به بندر بازرگانی «اومانا» (صحار کنونی) داشت. پادگان نظامی اصلی ایران در نزدیکی این بندر در دمستگرد و در برج و باروی دما در نزدیکی منطقه سیب واقع بود و بخش جنوبی کرانه‌های باطنه را زیر کنترل داشت؛ دوم اینکه رستاق منطقه‌ای با استعداد کشاورزی گسترده بود و هست؛ سوم اینکه رستاق در قلب منطقه سکونت مهاجران شنوعه قرار داشت.^(۲۹)

با سقوط ساسانیان و ظهور اسلام، نفوذ ایرانیان در عمان ادامه یافت. به دنبال شورش خوارج، خازم بن خزیمه که در خراسان و قاینات حکومت می‌کرد، عازم سواحل خلیج فارس شد و عمان را از دست خوارج خارج کرد. پس از وی ایرانی دیگری به نام عبیدالله حمدان قرمط حکومت اعراب را در عمان برانداخت. ناصر خسرو که در آن هنگام از سفر مکه باز می‌گشت نوشته است: «یک نفر ایرانی پس از سلسله جنگ‌ها، عمان را متصرف شد و برای خود دولت بزرگی تشکیل داد». وی همچنین در سفرنامه خود به حکومت صفاریان در عمان اشاره کرده است.^(۳۰)

آل بویه در سال ۳۳۹ ه‍.ق عمان را به تصرف خود در آوردند و علی بن احمد را از طرف خود به حکومت آنجا تعیین کردند. چند ماهی از این واقعه نگذشته بود که مردم عمان شورش کردند، در نتیجه معزالدوله دیلمی در ۳۵۵ دوباره عمان را متصرف شد. جانشینان وی نیز به تلاش خود برای ایرانی ماندن این منطقه ادامه دادند. در زمان سلاجقه کرمان نیز عمان بخشی از ایران زمین بود. ملک قاورد یا عمادالدین قره ارسلان به کمک نیروی دریایی فرماندار هرمز، عمان را به تصرف درآوردند و آن را خراج‌گذار ایران کردند.^(۳۱) حاکمیت سلاجقه کرمان بر عمان تا سال ۵۸۳ ه‍.جری همچنان ادامه داشت.^(۳۲) در روزگار خوارزمشاهیان و در اوج قدرت آنها، قلمرو حکومت سلطان محمد خوارزمشاه تا عمان گسترش داشت.^(۳۳)

در زمان اتابکان فارس نیز عمان تحت حاکمیت ایران بود. در سال ۶۴۱ ه‍.ق امیر شهاب الدین محمود بن عیسی که توسط اتابک ابوبکر، به حکومت عمان منصوب شده بود، در گذشت و اتابک حکومت آنجا را به برادرزاده او یعنی رکن

الدین محمود بن احمد مقیم بندر قلہات کہ از بنادر سواحل شرقی عمان بود، سپرد. ایلخانان در سال ۶۷۰ شورش جزایر قلہات و عمان را سرکوب کرده و فرامین دولت مرکزی را در این مناطق برقرار کردند.^(۳۴) در زمان قطب الدین تہمتن فرزند رکن الدین محمود نیز عمان تحت حکومت ایران بود. بہ طور کلی قلہات و عمان تا ۷۴۵ ہ ق تابع ملوک ہرمز بود.^(۳۵)

با بہ قدرت رسیدن سلسلہ صفوی، عمان دوبارہ تحت حکومت ایرانیان درآمد. در سال ۱۰۳۰ امام قلی خان سردار ایرانی عمان را متصرف شد. با آغاز انحطاط صفویہ، خوارج کہ در عمان قدرت گرفته بودند از اوضاع نابسامان داخلی ایران در زمان شاہ سلطان حسین استفادہ کردہ و جزایر قشم، لارک، ہرمز و بحرین را بہ تصرف خود درآوردند، اما نادرشاہ افشار بہ درخواست امام سیف بن سلطان، نیروہای نظامی خود را بہ عمان فرستاد و آنها با سرکوب خوارج خورفکان، شبہ جزیرہ مسندم و استان ظفار را بہ تصرف خود در آوردند.^(۳۶) در دورہ کشمکش بین کریم خان زند و سران ایل قاجار، عمان از تصرف ایران خارج شد و سید سلطان امام مسقط در سال ۱۲۰۸ ہجری بر جزیرہ قشم، ناحیہ گوادر و بندر چاہبہار مسلط شد. دولت انگلستان ہم از وی حمایت می کرد.

در اوایل سلطنت فتحعلی شاہ حکومت بندرعباس و جزیرہ ہرمز بہ بن احمد امام مسقط واگذار و وی متعہد شد کہ ۶۰ میلیون ریال باج بہ دولت ایران بدهد. در سال ۱۲۷۱ ہجری، سعید خان امام مسقط، جانشین و پسر بن احمد بہ تحریک انگلیسیہا، ادعای حکومت بندرعباس و جزیرہ قشم را مطرح و بہ پادگان ایرانی بندرعباس حملہ و نیروہای ایران را از آنجا بیرون کرد. بہ دنبال آن مؤیدالدولہ حکمران فارس، طی نبرد شدیدی، نیروہای مهاجم سلطان سعید را شکست دادہ و از بندرعباس و توابع آن بیرون کردند. وی پس از شکست از در دوستی درآمد و با ارسال ہدایا بہ دربار ایران و فشار انگلستان توانست بندرعباس و چاہبہار را بہ مدت ۲۰ سال و در مقابل سالی شانزدہ ہزار تومان از ناصر الدین شاہ اجارہ کند. ناصرالدین شاہ در فرمان خود در این مورد، سید سعید را رعیت و دست نشانده دولت ایران اعلام کرد.^(۳۷)

نقش منطقه‌ای ایران در تنگه هرمز و اقیانوس هند

ایران در دهه ۱۹۷۰ یک نقش منطقه‌ای را در تنگه هرمز و اقیانوس هند بر عهده گرفت. عواملی که به این امر کمک کرد عبارت بودند از: (۱) خروج نیروهای بریتانیا از خلیج فارس در ۱۹۷۱؛ (۲) افزایش بهای نفت که ایران را از نظر اقتصادی، قدرتمند کرد؛ (۳) جنگ هند و پاکستان که سبب تجزیه کشور اخیر شد؛ (۴) حمله چریک‌های مورد حمایت یمن جنوبی به یک نفت‌کش حامل نفت ایران در کنار جزیره پریم؛ (۵) جنگ ظفّار و ناتوانی عمان در سرکوبی آن؛ (۶) تقویت ناوگان شوروی در اقیانوس هند.

در راستای سیاست جدید، شاه در سال ۱۹۷۲ اعلام کرد «سه سال پیش ما از حدود دفاع خلیج فارس، تخیلمان تجاوز نمی‌کرد ولی امروز نه تنها به بحر عمان و به سواحل ایران تا گواتر اجباراً توجه داریم بلکه چون آب‌های دریای عمان به سایر آب‌ها و اقیانوس‌ها متصل است و از آنجا که روی آب مرز نکشیده‌اند، این است که مسئولیت ما به کلی دگرگون شده و به قسمت‌هایی از مملکت باید توجه کنیم که سابقاً اصلاً فکر آن را نمی‌کردیم و جبهه‌هایی برای ما باز شده که در سابق نبود».^(۳۸)

به این ترتیب حریم امنیت دریایی ایران از تنگه هرمز فراتر رفت و اقیانوس هند را نیز در بر گرفت. شاه در این زمینه به طور آشکار اعلام کرد: «از این پس مرزهای دریایی ایران در آن سوی خلیج فارس و بحر عمان، یعنی در اقیانوس هند قرار دارد؛ بنابراین دیگر وظیفه نیروی دریایی حفاظت آبادان، خسروآباد، بوشهر، هرمز، بندرعباس و حتی جاسک و چابهار نیست، بلکه حفظ حریم امنیت ایران است که بسیار دورتر از این نقاط قرار دارد».^(۳۹) وزیر امور خارجه ایران نیز در سازمان ملل گفت: تأمین صلح و امنیت در شبه‌قاره هند، یکی از ارکان اساسی سیاست کشور ماست... ایران با انتشار خطوط کلی استراتژی دفاع خود، اقیانوس هند را حریم امنیت برای خلیج فارس می‌داند.^(۴۰)

نقش ژئوپلیتیکی جدید ایران در تنگه هرمز و اقیانوس هند موجب مداخله ایران در جنگ ظفّار شد. شورش ظفّار در سال ۱۹۶۴ در استان ظفّار در جنوب عمان و هم‌مرز با یمن آغاز شد. شورشیان ظفّار که ابتدا از سوی چین، یمن جنوبی و سپس شوروی حمایت می‌شدند، در سال ۱۹۶۹ دوسوم استان ظفّار را در اختیار

گرفتند. در سال ۱۹۷۰ شهر سلاله مرکز استان ظفار را تصرف کردند. در ژوئن ۱۹۷۰ جبهه دیگری به نام «جبهه دموکراتیک برای آزادسازی خلیج اشغال‌شده عربی» زیر نفوذ عراق در شمال عمان یعنی شبه جزیره مسندم نزدیک تنگه هرمز شروع به فعالیت کرد. هدف این جبهه براندازی تمام رژیم‌های میان عمان و عراق بود. این جبهه از مردم ایران نیز می‌خواست که به آن ملحق شوند. این جبهه نه تنها برای عمان بلکه برای ایران نیز خطرناک بود. فعالیت‌های این جبهه خطری برای امنیت خلیج فارس و صدور نفت ایران از تنگه هرمز بود؛ بنابراین دولت ایران به طور رسمی اعلام کرد که به هیچ وجه اجازه نخواهد داد که این جبهه قدرت را در عمان به دست گیرد. با این حال دولت ایران بعد از اینکه کشورهای عربی نتوانستند و یا در موقعیتی نبودند که به سلطان عمان برای مبارزه با چریک‌های ظفار کمک جدی بکنند، تصمیم گرفت به دولت عمان کمک کند. در مارس ۱۹۷۲ یک هیئت عمانی به ریاست توینی بن شهاب مشاور سلطان قابوس به تهران آمد و از دولت ایران برای سرکوبی شورشیان ظفار تقاضای کمک کرد. در نتیجه یک موافقت‌نامه سری بین دو کشور امضا شد که بر اساس آن مقرر شد ایران به عمان کمک کند.^(۴۱) به دنبال آن ایران شروع به ارسال جنگ‌افزار و تجهیزات نظامی مختلف به عمان کرد. در ۲۰ دسامبر ۱۹۷۳ به تقاضای سلطان قابوس، نیروهای ایرانی مجهز به وسایل پیشرفته بالگردها و کشتی‌های جنگی در سلاله پیاده شدند. بخشی از این نیروها در جزایر کوریا و مورییا مستقر شدند و پس از تخلیه بخشی از ساکنان جزیره، شروع به ساخت تأسیسات نظامی کردند. فانتوم‌های اف ۵ ایران به طور مرتب از پایگاه خود در تمریت بر فراز استان ظفار و مرزهای یمن جنوبی گشت می‌زدند. ناوگان‌های ایرانی نیز سواحل ظفار را که در کنترل شورشیان بود، زیر آتش می‌گرفتند.

مهم‌ترین اقدام چشمگیری که ایران به عمل آورد، باز کردن جاده ۶۰۰ کیلومتری بین مسقط و سلاله در سال ۱۹۷۴ بود. این جاده استراتژیک در منطقه کوهستانی و صعب‌العبور عمان واقع شده و پایگاه شورشیان بود. این جاده از سال ۱۹۶۹ غیر قابل عبور بود، زیرا شورشیان کنترل یک نقطه استراتژیکی میان راه یعنی تمریت را در اختیار داشتند.^(۴۲) به مدت ۴ سال جاده بسته بود و مقامات دولتی

ناگزیر بودند از راه هوا یا دریا به ظفار سفر کنند. این واقعیت نشان‌دهنده پیشرفت شورشیان بود و گواهی می‌داد که رژیم در الحاق این استان به بقیه سلطان‌نشین تا چه اندازه ناتوان است.^(۴۳)

نیروهای جبهه در یک درگیری بزرگ در دسامبر ۱۹۷۴ تلفات سنگینی به نیروهای ایران وارد کردند. عوامل آب‌وهوایی و اقلیمی ظفار مشکلاتی را برای نیروهای ایرانی در ظفار ایجاد کرده بود. شرایط موسمی بارندگی از ماه ژوئن تا سپتامبر و کوهستانی بودن منطقه موانع عمده‌ای در پیشروی نیروهای ایرانی ایجاد کرده بود. به عنوان مثال در غربی‌ترین بخش ظفار، منطقه به اندازه‌ای صعب‌العبور و جنگیدن در آن به حدی دشوار بود که دولت عمان و نیروهای انگلیسی حامی آن به این نتیجه رسیده بودند که نمی‌توانند کنترل مؤثری بر این مناطق داشته باشند؛ بنابراین معتقد بودند که باید این مناطق را به شورشیان واگذار کرد.^(۴۴) این دشواری‌ها سبب شد که ایران تعداد دیگری سرباز به عمان اعزام کند. نیروهای ایرانی که تقویت شده بودند توانستند در ۱۹۷۴ سلاله را آزاد ساخته و سپس در اکتبر ۱۹۷۵ در یک حمله نهایی، نیروهای جبهه را از پای درآوردند. تلفات ایران در جنگ ظفار ۲۵ افسر و ۱۸۶ سرباز بود.^(۴۵)

در فوریه ۱۹۷۵ ایران شروع به احداث یک خط دفاعی به نام خط دماوند کرد که از رخیوت آغاز و به طرف شمال ادامه پیدا می‌کرد. این خط ۴۸ کیلومتری غرب خط قدیمی «هورن بین» که در اوایل سال ۱۹۷۴ ساخته شده بود، ایجاد شد. این خط دفاعی از نفوذ شورشیان از یمن جنوبی به عمان جلوگیری می‌کرد. پس از پاکسازی منطقه از شورشیان ظفار، برای نمایش امنیت منطقه، عبدالرضا پهلوی برای شکار به ظفار رفت.^(۴۶) پس از آن نیز محمدرضا شاه و سلطان قابوس وارد سلاله مرکز استان ظفار شدند. سلاله محل تولد سلطان قابوس است. به همین دلیل از نظر عاطفی، آزادسازی سلاله برای وی بسیار مهم بود.

نیروهای ایرانی در عمان تقریباً محتاطانه عمل کردند و سبب خشم و ناراحتی مردم ظفار نشدند. نیروهای ایرانی از همان آغاز ورود به عمان سیاست سرزمین سوخته و یا اقدامات خشن مشابهی را در پیش نگرفتند. نیروهای ایرانی به هیچ‌وجه مرتکب قتل عام، تجاوز به ناموس، غارت و چپاول نشدند؛^(۴۷) کاری که نیروهای

امریکایی در ویتنام و یا صدام حسین در شمال و جنوب عراق انجام دادند. نیروهای نظامی ایران افزون بر عملیات نظامی، فعالیت‌های عمرانی بسیاری را در عمان انجام دادند. احداث جاده ۵۰ کیلومتری «جانوک» و «فیوریوس» در قسمت شرقی به مرز یمن جنوبی و آسفالت راه استراتژیک «سلاله» به «میدوی» به طول ۸۲ کیلومتر از فعالیت‌های نظامیان ایران در عمان بود.^(۴۸) توسعه زیرساخت‌های اقتصادی عمان از جمله برنامه‌های دولت ایران بود. ایران معتقد بود این امر موجب کاهش مخالفت‌ها و اعتراض‌های مردمی می‌شود. به اعتقاد ایران، امنیت عمان تنها در سایه قدرت نظامی امکان‌پذیر نیست بلکه باید به موازات آن وضع زندگی مردم نیز بهبود یابد.

با سرکوب چریک‌های ظفار، تهران اعلام کرد در صورت درخواست سلطان قابوس پادشاه عمان، نیروهای ایرانی خاک عمان را ترک خواهند کرد. هرچند از تعداد نیروهای ایران در عمان کاسته شد، با این حال تعدادی از آنها در عمان باقی ماندند و به ساختن سکوهای رادار در پایگاه مانستون در شمال غربی عمان پرداختند و نقل و انتقال تجهیزات نظامی را در یمن جنوبی تحت نظر داشتند. سرانجام نیروهای ایرانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خاک عمان را ترک کردند.

ایران و عمان و مسائل تنگه هرمز و خلیج فارس

در این قسمت مرزهای ایران و عمان در خلیج فارس، مواضع عمان در قبال جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و جنگ ایران و عراق مورد بررسی قرار می‌گیرد. عمان برخلاف سایر کشورهای خلیج فارس در قبال مسئله جزایر ایرانی و جنگ ایران و عراق، از اتخاذ سیاست‌های تند و افراطی خودداری کرده است.

مرزهای ایران و عمان: ایران و عمان اختلافات مرزی و سرزمینی‌ای با یکدیگر ندارند. مرزهای دریایی دو کشور به موجب موافقت‌نامه‌ای که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۴ به امضا رسید تعیین شد. این موافقت‌نامه پس از تصویب در سال ۱۹۷۵ به مورد اجرا گذاشته شد. بر اساس موافقت‌نامه یادشده، خط مرزی بین دو کشور از شمال خلیج فارس تا شمال دریای عمان به طول ۱۲۴/۸ مایل و ۲۱ نقطه گردش

است. این خط مرزی در واقع خط منصف تنگه هرمز است و با در نظر گرفتن خط مرزی کرانه‌های ایران و عمان در شمال و جنوب تنگه هرمز تعیین شده و فاصله آن نسبت به کرانه‌های دو کشور برابر است. تنها استثنا در این مورد مربوط به منطقه‌ای میان جزیره ایرانی لارک و جزیره عمانی قوئین بزرگ است. این دو جزیره به عنوان خط مبدأ تعیین شده‌اند و هرکدام ۱۲ مایل دریای سرزمینی دارند که در جمع ۲۴ مایل دریایی می‌شود، درحالی‌که فاصله بین دو جزیره یادشده ۲۱ مایل دریایی است. بر این اساس دریای سرزمینی دو کشور حدود سه مایل بر یکدیگر انطباق دارند. طول منطقه دریای سرزمینی مشترک دو کشور حدود ۱۶ مایل دریایی (۲۹/۶ کیلومتر) است.^(۴۹)

در تنگه هرمز، برخلاف دیگر قطعه‌های مرز دریایی تعیین شده در خلیج فارس، خط کرانه‌ای همه جزایر ایرانی و عمانی محاسبه شده است. به همین دلیل و به منظور مراعات ۱۲ مایل آب‌های کرانه‌ای این جزایر، به‌ویژه جزیره ایرانی لارک، تداخل یادشده پیش آمد و محاسبه حد میانه این تداخل سبب انحنای بخش یادشده از این مرز شد. نقطه گردش این خط مرزی از خلیج فارس آغاز و در دریای عمان پایان می‌یابد. نقطه گردش‌های پایانی این مرز، در دو دریای یادشده تعیین نشده است. علت آن تعیین نکردن مرزهای دریایی میان عمان و امارات عربی متحده در دو انتهای مرزهای دریایی ایران و عمان در خلیج فارس و دریای عمان است.

ژرفای آب در محل خط مرزی میان ۳۱ تا ۹۹ متر است و مسیر عبور نفت‌کش‌های سنگین در بخش جنوبی این خط مرزی تعیین شده‌اند. در ماده ۲ قرارداد طرفین متعهد شده‌اند اگر خط مرز از محل منابع نفت عبور کند هیچ‌یک از دو دولت بدون جلب نظر طرف دیگر چاهی که بخش بهره‌دهی آن از خط مرزی کمتر از ۱۲۵ متر فاصله داشته باشد، حفر نکنند.

عمان و جزایر تنب و ابوموسی: عمان برخلاف برخی کشورهای عربی که از ادعای امارات عربی متحده درباره جزایر ایرانی تنب و ابوموسی پشتیبانی کرده‌اند، از اظهار نظر خودداری کرده است. همچنین هیچ‌گونه تظاهرات و اغتشاشاتی علیه ایران در این کشور صورت نگرفته است. یکی از دلایل آن تمایل این کشور به حفظ روابط دوستانه با ایران بوده است. از دلایل دیگر آن، می‌توان به اختلافات مرزی و

سرزمینی وسیع و گسترده این کشور با امارات عربی متحده اشاره کرد. عمان هرچند بیانیه‌های شورای همکاری خلیج فارس را در مورد جزایر ایرانی تنب و ابوموسی تأیید کرده، با این حال رویه این کشور در جلسات شورا رعایت اعتدال بوده، ضمن اینکه بیانیه‌های شورا با اکثریت آرا، صادر نشده است. این بیانیه‌ها با توجه به نفوذ زیادی که عربستان سعودی در شورا دارد و در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مواضع آن با ایران همخوانی نداشته، زیر نظر این کشور صادر شده است. به‌هرحال با تلاش‌های عمان لحن برخی قطعنامه‌های شورا علیه ایران معتدل‌تر شده است. همچنین عمان با برخی از پیشنهاد‌های عربستان در جلسات شورا مخالفت کرده است. به عنوان مثال عمان با پیشنهاد عربستان سعودی در سال ۱۹۸۷ مبنی بر قطع روابط سیاسی تمام اعضای شورا با ایران مخالفت کرد. در این سال عربستان سعودی به دنبال کشتار حجاج ایرانی در مکه، روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرد.^(۵۰)

عمان و جنگ ایران و عراق: چند ماه پیش از آغاز جنگ ایران و عراق قیس الزواوی وزیر وقت مشاور در امور خارجی عمان به طور ناگهانی به بغداد سفر کرد. به دنبال این سفر حملات تبلیغاتی دو کشور علیه یکدیگر متوقف شد و روابط مسقط - بغداد که سال‌ها به دلیل حمایت مالی و تسلیحاتی عراق از جبهه آزادی‌بخش ظفار خصمانه بود، رو به بهبودی گذاشت. با آغاز جنگ عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دولت عمان بی‌طرفی خود را اعلام کرد ولی وسایل ارتباط جمعی این کشور در نحوه انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به جنگ همسو با سایر کشورهای خلیج فارس به جانب‌داری و حمایت از مواضع رژیم عراق می‌پرداختند. هم‌زمان با تغییر اوضاع جنگ به سود جمهوری اسلامی ایران پس از فتح خرمشهر، دولت عمان مواضع خود را تعدیل کرده حملات تبلیغی خود را کاهش داد و با حفظ بیطرفی سعی در جلب نظر مجدد جمهوری اسلامی ایران نمود.

از سوی دیگر هرچند عمان در چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس، بیانیه‌های آن را تأیید کرده، با این حال همان‌طور که گفته شد این کشور مانع تدروی‌های عربستان سعودی شده و لزوم عدم تحریک جمهوری اسلامی

ایران را تأکید کرده است. به عنوان مثال در اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس در مسقط در نوامبر ۱۹۸۵ با تلاش‌های سلطان قابوس، شورا از تأیید مطلق مواضع عراق خودداری کرد و به ظاهر به طور بی‌طرفانه از ایران و عراق درخواست کرد که به جنگ پایان دهند.^(۵۱) این برای نخستین بار در تاریخ اجلاس‌های شورا بود که چنین موضعی اتخاذ می‌شد.

دلایل این سیاست عمان متعدد بود. یکی از آنها از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی ناشی شده است. در طول جنگ، عمان با این استدلال که پس از پایان جنگ، هریک از دوستان قدرتمند آنها به راه خود خواهند رفت و این کشور ناگزیر از زیستن در کنار ایران خواهد بود، سیاست آشتی‌جویانه‌ای در پیش گرفت.^(۵۲) به عبارت دیگر عامل جغرافیایی یعنی دوری فیزیکی عمان از عراق و نزدیکی آن به ایران یکی از دلایلی بود که سبب شد این کشور روش نسبتاً معقول و منطقی در برابر ایران اتخاذ کند. در همین رابطه، سلطان قابوس در زمان جنگ ایران و عراق گفته بود: «در بلندمدت، قائل به گزینه دیگری جز همزیستی مسالمت‌آمیز میان ایران و کشورهای خلیج فارس نیست».^(۵۳)

عامل دیگری که در روابط عمان و جمهوری اسلامی ایران نقش داشته، سوء ظن عمان به عراق بوده، زیرا در جریان شورش‌های داخلی عمان (شورش ظفّار) در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ عراق به نحو فعالی از نیروهای مخالف سلطان حمایت می‌کرد و همین امر در سال‌های بعد مانعی جدی برای بهبود مناسبات دو کشور شد، درحالی‌که دولت ایران در سرکوب این شورش‌ها به نامبرده کمک کرد. قطع نظر از این ملاحظات، عاملی که بر روابط بیشتر کشورهای خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران تأثیرات منفی بر جای گذارد (نحوه برخورد با جمعیت شیعی مذهب کشورهای عضو) در مناسبات عمان و ایران نقشی نداشت، زیرا در عمان شمار شیعیان زیاد نیست و ۷۵ درصد جمعیت دارای مذهب اباضی و بقیه سنی مذهب هستند.^(۵۴)

امنیت تنگه هرمز و نقش ایران و عمان: جنگ ظفّار عزم ایران را برای حفظ امنیت تنگه هرمز به نمایش گذاشت. در پایان سفر سلطان قابوس به ایران، اعلامیه مشترکی در ششم فوریه ۱۹۷۴ انتشار یافت که بر اساس آن دو کشور اعتقاد راسخ

خود را به همکاری در همه زمینه‌ها به منظور حفظ ثبات و امنیت منطقه و آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز و دریاهای مجاور که برای هر دو کشور اهمیت حیاتی دارد، ابراز داشتند و اعلام کردند هرگونه اعمال نفوذ در این منطقه از طرف نیروهای خارجی را تقبیح می‌کنند و آن را منافی مصالح دو کشور می‌دانند. در این اعلامیه تصریح شده که دو کشور برای جلوگیری از هرگونه اختلال یا خرابکاری که امنیت دو کشور را به خطر اندازد همکاری و اقدام مشترک به عمل خواهند آورد. در این راستا قرار شد دو کشور تمامی کشتی‌هایی را که از تنگه هرمز عبور می‌کنند، به طور مشترک بازرسی کنند. همچنین گفته شد که عمان به ایران اجازهٔ احداث یک پایگاه دریایی در یکی از جزایر این کشور در نزدیکی تنگه هرمز (احتمالاً جزیره غنم) را داده است. همچنین به طوری که گفته شد طبق موافقت‌نامه‌ای که در مارس ۱۹۷۴ بین دولت‌های ایران و عمان بسته شده، مسئولیت دفاع از تنگه هرمز و نظارت بر تردد دریایی آن به طور مشترک به عهده هر دو دولت گذاشته شد.

به دنبال انقلاب اسلامی ایران، از نقش فعال ایران در کنترل تنگه هرمز کاسته شد. این امر سبب شد تا عمان به این امر مبادرت کند. اما با آغاز جنگ ایران و عراق، دولت ایران به حساسیت و اهمیت تنگه هرمز پی برد و درصدد اعمال نقش تاریخی خود در این تنگه برآمد. از سوی دیگر ضعف نظامی عمان نیز مانع نقش فعال این کشور در تنگه هرمز شد. در طول جنگ ایران و عراق، ایران بارها اعلام کرد اگر صادرات نفت آن از خلیج فارس قطع شود، اجازه نخواهد داد کشورهای دیگر از تنگه هرمز استفاده کنند و این تنگه را مسدود خواهد کرد. ایران تهدید خود را عملی نکرد ولی به توقف و بازرسی کشتی‌ها در تنگه هرمز ادامه داد. این امر بیانگر این بود که ایران توانایی کنترل این تنگه را دارد.

مسئله‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد، نگرش‌های متفاوت ایران و عمان درباره منابع تهدید و استراتژی‌های برقراری امنیت است. عمان در دهه ۱۹۷۰، جنبش ظفّار، یمن جنوبی، عراق و شوروی را منبع تهدید می‌دانست. در اواسط این دهه سه منبع نخست از میان رفت و تنها تهدید شوروی باقی ماند. ورود نیروهای شوروی به افغانستان و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، از نظر عمان تهدیدی برای امنیت این کشور تلقی شد. سپس جنگ ایران و عراق هم به آن اضافه شد. با

خروج نیروهای شوروی از افغانستان و فروپاشی این کشور، پایان یافتن جنگ ایران و عراق و وحدت دو یمن این تهدیدها نیز از بین رفت، اما حمله عراق به کویت و اشغال این کشور و بعد جنگ دوم خلیج فارس، جای تهدیدهای یادشده را گرفت. با آزادی کویت در ۱۹۹۱، تهدید عراق نیز منتفی شد. در حال حاضر از نظر عمان، مخالفت‌های داخلی و بدبینی و عدم اعتماد ریشه‌دار و تاریخی این کشور نسبت به مقاصد عربستان سعودی و امارات عربی متحده، منبع تهدید تلقی می‌شود. به اعتقاد عمان، امنیت این کشور تنها با اتکا به قدرت‌های غربی به‌ویژه امریکا امکان‌پذیر است، مسئله‌ای که ایران به‌شدت با آن مخالف است.

عمان به عنوان یک کشور کوچک و ضعیف توانایی دفاع از خود را ندارد، جنگ ظفّار این موضوع را به‌خوبی نشان داد. جنگ ظفّار پس از ده سال آن هم تنها با کمک ایران به پایان رسید؛ بنابراین در زمان شاه عمان برای حفظ امنیت خود متکی به ایران بود. سقوط شاه بیشتر از هر کشور دیگر خلیج فارس، عمان را نگران کرد، لذا به دنبال جایگزینی برای رژیم شاه بود. ورود عمان به شورای همکاری خلیج فارس را می‌توان در این راستا تفسیر کرد. به همین دلیل این کشور تشکیل یک نیروی نظامی مشترک را برای حفظ امنیت تنگه هرمز به سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس پیشنهاد کرد که توسط سایر اعضا رد شد.

عمان از همان ابتدا شک داشت که کشورهای خلیج فارس صرفاً با همکاری با یکدیگر بتوانند امنیت خود را حفظ کنند. این نظر عمان منطقی و درست بود و اشغال کویت توسط عراق آن را تأیید کرد. بر این اساس عمان بر این باور بود که امنیت آن تنها با حمایت کشورهای غربی به‌ویژه امریکا میسر است. بر اساس این برداشت، عمان همکاری نظامی خود با امریکا را آغاز کرد. در این راستا عمان در سال ۱۹۸۰ پیمان دفاعی ده‌ساله‌ای را با امریکا بست. این پیمان پیوسته تمدید شده است. به موجب این پیمان به امریکا اجازه داده شد تا از تسهیلات بندری، پایگاه‌های دریایی و هوایی عمان در نقاط مختلف کشور به‌ویژه جزایر استراتژیک آن استفاده کند. در واقع عمان به یکی از مهره‌های اصلی ترتیبات استراتژیک امریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل شده است.^(۵۵) عمان پایگاه‌های زیر را در اختیار امریکا قرار داده است: (۱) پایگاه دریایی و هوایی جزیره مصیره در اقیانوس

هند؛ ۲) پایگاه هوایی سیب نزدیک مسقط در ساحل دریای عمان؛ ۳) پایگاه هوایی تمریت در استان ظفار و نزدیک مرز یمن؛ ۴) پایگاه سلاله در مرکز استان ظفار؛ ۵) پایگاه‌های شبه‌جزیره مسندم در تنگه هرمز؛ ۶) پایگاه‌های دریایی مطرح و ریوت. از سوی دیگر ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور ساحلی خلیج فارس، کشوری که بیش از نیمی از سواحل خلیج فارس را در اختیار دارد، وجود یک سیستم امنیت منطقه‌ای پایدار را در گرو همکاری نزدیک میان کلیه کشورهای ساحلی این دریا می‌داند. به همین دلیل ایران معتقد است هرگونه ترتیبات امنیتی بدون حضور آن امری غیرعقلایی، ناپایدار و خلاف همبستگی منطقه‌ای است. در این راستا ایران پیمان ۶+۲ را علیه منافع قانونی و مشروع خود می‌دانست. به همین دلیل عدم رضایت خود را از دخالت هر کشور غیر ساحلی در خلیج فارس و امنیت این منطقه ابراز داشت و این عدم موافقت ایران یکی از دلایل عدم کارآیی اعلامیه دمشق بود.^(۵۶)

بر این اساس، ایران با حضور نظامی آمریکا و یا سایر قدرت‌های بزرگ در منطقه به شدت مخالف است. ایران اعتقاد دارد نیروهای نظامی آمریکا نه تنها کمکی به صلح و ثبات در منطقه نمی‌کنند، بلکه برعکس یکی از عوامل ناامنی در خلیج فارس هستند. در جریان جنگ ایران و عراق، نیروهای نظامی آمریکا با حمله به سکوهای نفتی ایران و کشتی‌های ایران، جنگ را به تمام خلیج فارس گسترش دادند و امنیت تمام منطقه را به مخاطره انداختند. آمریکا از طریق پایگاه‌های عمان بعضی از این حملات را انجام داد.

عمان به ایالات متحده و انگلستان اجازه داد تا در جنگ ایران و عراق از خاک این کشور به عنوان پایگاهی برای سوخت‌گیری، بارگیری و استقرار هواپیماهای شناسایی خود استفاده کنند. همچنین به ایالات متحده اجازه داد پرواز هواپیماهای شناسایی و کنترل هوایی خود را در چهارچوب عملیات آخوندک از داخل خاک عمان صورت دهد. این امکانات زمانی در اختیار آمریکا قرار گرفت که آن کشور سکوهای نفتی ایران را در خلیج فارس مورد حمله قرار داد. عمان طی جنگ ایران و عراق حدود ۹۵۰ نفر از سربازان خود را برای یگان نیروهای مشترک عربی در اختیار آمریکا قرار داد.^(۵۷)

علاوه بر آن عمان به امریکا اجازه داد تا در عملیات نظامی طبس که با هدف آزادسازی گروگان‌های امریکایی در ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ انجام شد، از پایگاه مصیره در این کشور استفاده کند. این عملیات در ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ در جلسه ویژه شورای امنیت ملی امریکا تصویب شد. برژینسکی در زمان حمله به طبس گفته بود «زمان تیغ زدن به دمل فرا رسیده است»^(۵۸) اما این عملیات با شکست رسواکننده روبه‌رو شد.

از آنجا که روابط ایران با عمان بیش از هر عامل دیگری تحت تأثیر عوامل جغرافیایی است، لذا روابط نزدیک عمان با امریکا تأثیری بر روابط ایران با عمان نداشته است. علاوه بر آن عمان در سال‌های اخیر روابط نزدیک‌تری با اسرائیل برقرار کرده است، ایران درحالی‌که روابط خود را با مصر به علت صلح با اسرائیل قطع کرده و تاکنون آن را از سر نگرفته، اما در مورد عمان، این مسئله را با دیده اغماض می‌نگرد.

رهبران اسرائیل پس از تأسیس این کشور طرح‌هایی درباره خلیج فارس داشتند. تعدادی از نمایندگان کنست خواهان گنجاندن برخی مناطق خلیج فارس در اسرائیل بزرگ بودند. تسوی سلوا از اعضای حزب لیکود در پژوهشی در سال ۱۹۷۰ تحت عنوان «یک سرزمین بزرگ و یک ملت بزرگ» ادعای تاریخی اسرائیل بر ناحیه خلیج فارس را مورد بحث و بررسی قرار داده است.^(۵۹) اسرائیل اکنون از طریق عمان توانسته در تنگه هرمز حضور یابد، جایی که منافع ملی ایران با آن گره خورده است.

عمان تنها کشور عرب منطقه خلیج فارس است که بنا بر ملاحظات استراتژیک و روابط بسیار نزدیک با غرب از تعلیق روابط با مصر به دنبال عقد قرارداد کمپ دیوید بین تل‌آویو و قاهره در سال ۱۹۷۹ خودداری کرد. از سوی دیگر با امضای موافقت‌نامه غزه - اریحا بین فلسطینی‌ها و اسرائیل و نیز موافقت‌نامه صلح اردن با اسرائیل در ۱۹۹۴، تماس‌های دوجانبه‌ای بین عمان و اسرائیل برقرار شده و مقامات بلندپایه اسرائیل از عمان دیدار کرده‌اند. در دسامبر ۱۹۹۴ یک هیئت عالی‌رتبه اسرائیلی به ریاست اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل از عمان دیدار کرد. در اوایل ۱۹۹۶ نیز شیمون پرز رئیس دولت اسرائیل از مسقط پایتخت عمان دیدار کرد.

همچنین هیئتی از عمان در مراسم تدفین اسحاق رابین در بیت المقدس شرکت کرد.^(۶۰)

عمان نخستین کشور خلیج فارس بود که در اول اکتبر ۱۹۹۵ با اسرائیل روابط سیاسی رسمی برقرار کرد. در فرایند این تصمیم‌گیری عمان در مقایسه با سایر کشورهای خلیج فارس، به علت نبود فلسطینی‌ها در این کشور، آزادی عمل بیشتری داشته است. هم‌زمان با ازسرگیری روابط سیاسی، موافقت‌نامه‌ای دربارهٔ ایجاد نمایندگی‌های بازرگانی میان اسرائیل و عمان به امضا رسید. با افتتاح دفتر تجاری اسرائیل در عمان، دو کشور روابط اقتصادی خود را آغاز کردند. به دنبال آن، نخستین هیئت تجاری اسرائیل در ژوئیه ۱۹۹۶ وارد مسقط شد. در همین راستا دولت عمان اعلام کرد برقراری روابط تجاری از سوی بازرگانان و بخش خصوصی عمان با اسرائیل آزاد است و مانعی در این مورد وجود ندارد. یوسف بن علوی وزیر مشاور در امور خارجی عمان در این مورد گفت: «در کشورهای عرب خلیج فارس این بازرگانان بخش خصوصی هستند که تجارت می‌کنند نه دولت‌ها». وی همچنین گفت فراخوان اعراب به کند کردن روند عادی‌سازی روابط با اسرائیل بی‌فایده است و همه کشورهای عربی باید روش مثبتی در قبال صلح با اسرائیل اتخاذ کنند.^(۶۱)

به این ترتیب ژئوپلیتیک منطقه دگرگون شده و نقش بازیگران تغییر کرده است. لذا استراتژی «محورهای پیرامون» از محاصره اعراب به محاصره ایران تغییر کرده است. شیمون پرز نخست‌وزیر وقت اسرائیل گفته است: «اسرائیل از سوی هیچ کشوری جز ایران تهدید نمی‌شود و این دولت بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت و موجودیت اسرائیل است».^(۶۲) اسحاق رابین نیز گفته است: «در صورت وقوع هرگونه جنگ احتمالی، هراس اسرائیل از ایران است».^(۶۳) در راستای این دکترین اسرائیل می‌کوشد در جناح غربی ایران با نفوذ در ترکیه و شمال عراق و در جناح شمالی ایران با نفوذ در جمهوری آذربایجان و آسیای مرکزی و در جناح جنوبی ایران با نفوذ در کشورهای خلیج فارس به‌ویژه عمان، جمهوری اسلامی ایران را به صورت گزانبیری به محاصره خود درآورد.

همکاری در زمینه پروژههای نفت و گاز در تنگه هرمز: ایران و عمان

می‌توانند در زمینه نفت و گاز با یکدیگر همکاری کنند. هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت هستند. البته تولید و صادرات نفت عمان نسبت به ایران اندک است ولی اقتصاد هر دو کشور به شدت به درآمدهای نفتی وابسته است و از هرگونه افزایش و یا کاهش قیمت نفت تأثیر می‌پذیرد. به عنوان مثال با افزایش قیمت نفت در طول بحران اشغال کویت آثار آن بر بهبود اوضاع اقتصادی عمان کاملاً مشهود بود، ولی با کاهش بعدی قیمت نفت اوضاع اقتصادی عمان دچار مشکلاتی شد به طوری که شورای توسعه و وزارت اقتصاد عمان ناگزیر شد تصمیماتی را برای کنترل برنامه‌های عمرانی و راه‌های جایگزینی انتخاب کند. به این ترتیب همکاری ایران و عمان در زمینه قیمت نفت امری ضروری و به نفع هر دو کشور است.

از سوی دیگر در تنگه هرمز برخی از حوزه‌های نفتی و گازی بین دو کشور مشترک است که یکی از آنها حوزه نفتی هنگام است. این حوزه در تنگه هرمز واقع شده و ۸۰ درصد آن متعلق به ایران و ۲۰ درصد آن متعلق به عمان است. این میدان در سال ۱۹۷۵ کشف شد. میزان نفت در آن ۷۰۰ میلیون بشکه و گاز حدود ۲ تریلیون فوت مکعب است. عمان از آغاز سال ۲۰۰۹، بهره‌برداری از این میدان را آغاز کرده و در مدت یک سال سه میلیون بشکه نفت از این میدان مشترک برداشت کرده است. ایران تاکنون از این میدان بهره‌برداری نکرده است.^(۶۴)

علاوه بر آن ایران و عمان در بهره‌برداری از حوزه گازی کیش با یکدیگر همکاری دارند. حجم ذخایر گازی این حوزه ۴۸ تریلیون فوت مکعب گاز و معادل چهار فاز پارس جنوبی است. ایران و عمان توافق کرده‌اند توسعه میدان گازی کیش در سه فاز (یک فاز در خشکی و دو فاز در دریا) و در مدت چهار سال انجام شود. قرار است یک خط لوله به طول ۲۰۰ کیلومتر برای صدور گاز این حوزه به عمان احداث شود. این خط لوله از زیر آب می‌گذرد.^(۶۵)

یکی دیگر از زمینه‌های همکاری بین دو کشور می‌تواند در زمینه احداث خطوط لوله باشد. ایران و عمان دارای ذخایر گاز هستند. ذخایر گاز ایران در سال ۲۰۰۵ حدود ۲۶/۷۴ تریلیون متر مکعب یعنی ۱۵ درصد ذخایر گاز جهان بوده است. ایران بعد از روسیه با ۳۵/۵ درصد، دومین کشور دارنده ذخایر گاز در جهان

است.^(۶۶) میزان ذخایر گاز عمان در سال ۲۰۰۵ حدود یک تریلیون متر مکعب یا ۰/۶ درصد کل ذخایر گاز جهان بوده است.^(۶۷) در سال‌های اخیر مصرف گاز طبیعی به علت نگرانی از آلودگی محیط زیست، افزایش یافته است. در ۵۰ سال پیش مصرف گاز طبیعی به ۱۷ کشور محدود می‌شد، اما در سال ۲۰۰۹ بیش از ۹۰ کشور جهان از آن استفاده کرده‌اند. هم‌اکنون بسیاری از کشورها، استفاده از گاز طبیعی را به عنوان یک منبع جایگزین نفت در روند توسعه مورد توجه قرار داده‌اند. یکی از بازارهای عمده مصرف گاز، کشورهای آسیایی هستند. تاکنون برای انتقال گاز ایران و عمان به کشورهای آسیایی طرح‌های متعددی ارائه شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. خط لوله گاز عمان به هند: این خط لوله گاز عمان را از طریق دریا به هند منتقل خواهد کرد. هند روزانه به ۲۵۰ میلیون متر مکعب گاز نیاز دارد که تنها ۶۰ میلیون متر مکعب آن از منابع داخلی تأمین می‌شود. بررسی‌های اولیه فنی که توسط شرکت نفت و گاز عمان انجام شده، احداث این خط لوله را در عمق ۱۲۰۰ متری دریا ممکن می‌داند، اما از دیدگاه کارشناسان، احداث این خط لوله در عمق مذکور فشار زیادی را بر آن وارد خواهد کرد و آن را در مقابل جریان‌های دریایی و توفان‌ها به میزان زیادی آسیب‌پذیر خواهد ساخت. مشکل دیگر مربوط به هزینه‌های بسیار زیاد آن است که آن را از نظر اقتصادی زیر سؤال می‌برد؛ علاوه بر آن هند مایل نیست از بین دو کشور عمان و ایران، یکی را انتخاب کند، بلکه مایل است گاز مورد نیاز خود را از هر دو کشور تأمین کند زیرا تعدد منابع به هند امکان می‌دهد در صورت بروز مشکل با یک منبع، نیازهای خود را از منبع دیگری تأمین کند.^(۶۸)

۲. خط لوله گاز ایران به هند: این خط لوله ۲۶۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت و هزینه آن حدود ۷/۵ میلیارد دلار برآورد شده است.^(۶۹) این خط لوله که یکی از بزرگ‌ترین خطوط لوله گاز در جهان خواهد بود، در سال اول روزانه ۶۰ میلیون و در سال دوم ۹۰ میلیون و در سال سوم ۱۲۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی ایران را به هند منتقل خواهد کرد. یادداشت تفاهمی بین دو کشور در مورد اجرای مطالعات عملی احداث این خط لوله به امضا رسیده است.

چین نیز با توجه به نیاز روزافزون آن به گاز طبیعی، مذاکراتی را با هند برای

مشارکت در این خط لوله انجام داده است. احداث این خط لوله نه تنها رقابت خصمانه دو کشور بزرگ آسیایی یعنی چین و هند را می‌تواند به اتحاد تاکتیکی تبدیل کند، بلکه به تحقق رویای ایجاد یک شبکه انرژی آسیایی که چین و آسیای میانه را تحت پوشش قرار می‌دهد، کمک کند. طبیعی است که در چنین شبکه انرژی، نقش اصلی را ایران بر عهده خواهد داشت، اما سایه حضور یک بازیگر ناخوانده اما پرنفوذ یعنی امریکا، چشم‌انداز توافق نهایی در مورد این پروژه عظیم را تیره کرده است.^(۴۰)

۳. خط لوله گاز ایران به پاکستان: این خط لوله ۱۸۰۰ کیلومتر طول و هزینه احداث آن ۴ تا ۴/۵ میلیارد دلار برآورد شده است. این خط لوله روزانه ۴۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی ایران را تحویل پاکستان می‌دهد. یادداشت تفاهمی در مورد اجرای این پروژه بین دو کشور به امضا رسیده است. این خط لوله می‌تواند گاز طبیعی ایران را از طریق پاکستان به هند نیز انتقال دهد. این خط لوله که به «خط لوله صلح» معروف شده می‌تواند به صلح بین پاکستان و هند کمک کند، اما در اینجا هم اختلافات بین پاکستان و هند، مانع ادامه این خط لوله به هند شده است. احداث چند خط لوله گاز از خلیج فارس به هند و پاکستان با توجه به هزینه‌های سنگین آن، منطقی به نظر نمی‌رسد. بهترین راه حل، پیشنهاد معاون نخست‌وزیر پاکستان بود که گفته بود طرح‌های مذکور باید به صورت منطقه‌ای انجام شود، به طوری که ایران و عمان در آن سهیم باشند. از طرف دیگر در صورت بهبود روابط هند و پاکستان، خط لوله‌ای که گاز به پاکستان انتقال می‌دهد به هند نیز گاز خواهد رساند. به این ترتیب همکاری کشورهای ایران، عمان، پاکستان و هند در این زمینه در راستای منافع ملی آنهاست. گاز عمان می‌تواند از طریق احداث یک خط لوله از طریق تنگه هرمز و بندرعباس به خط لوله گاز ایران به پاکستان متصل شود. این بهترین روش برای انتقال گاز عمان به بازارهای آسیاست.

نتیجه‌گیری

اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهند ایرانیان از سپیده دم تاریخ توجه ویژه‌ای به تنگه هرمز داشته‌اند. به مدت چندین قرن عمان بخشی از قلمرو ایران بوده و در این

میان تنگه هرمز راه ارتباطی بین ایران و عمان بوده است. به نظر استندیش تنگه هرمز و خلیج فارس جزء دریا‌های داخلی ایران بوده‌اند.^(۳۱)

تنگه هرمز نقش مهمی را از نظر اقتصادی، استراتژیکی، امنیتی و نظامی برای ایران و عمان ایفا می‌کند. تنگه هرمز شاه‌رگ اقتصادی ایران است. تمام صادرات نفت ایران و ۸۰ درصد تجارت خارجی آن از طریق این تنگه انجام می‌شود. تنگه هرمز همچنین تنها راه مبادلات تجاری عمان با کشورهای خلیج فارس است. تنگه هرمز موجب افزایش اهمیت استراتژیکی ایران و عمان در سطح منطقه و جهان شده است. حدود ۴۰ درصد ترانزیت نفتی جهان از این تنگه می‌گذرد، لذا نقش کلیدی برای امنیت ایران، عمان و کشورهای صنعتی دارد. دفاع از امنیت تنگه هرمز و نظارت بر تردد دریایی در این منطقه به موجب موافقت‌نامه سال ۱۹۷۴ به طور مشترک بر عهده ایران و عمان است.

تنگه هرمز از ذخایر نفت و گازی برخوردار است که بین ایران و عمان مشترک است. علاوه بر آن ایران و عمان به‌ویژه ایران از ذخایر گازی قابل توجهی برخوردارند؛ لذا بهره‌برداری از منابع نفت و گاز تنگه هرمز و انتقال گاز دو کشور به پاکستان، هند و چین می‌تواند به تحقق رویای ایجاد یک شبکه انرژی آسیایی کمک کند. *

پی‌نوشت‌ها

1. Abbas Amiri (ed.) *The Persian Gulf and Indian Ocean in International Politics*, Tehran: lipes, 1975.
2. R. K. Ramazani, *The Persian Gulf and The Strait of Hormuz*, Nwtherland: Noordhoff, 1979.
۳. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، مترجم: ابوالفضل قاضی، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۱، ۶۶.
4. Online journal. com/ artman/ publish/ article/ 571. shtml. 2009.
۵. دوورژه، پیشین، ص ۶۷.
۶. عزت‌الله عزتی، ژئوپلیتیک، تهران: سمت، ۱۳۷۱، ص ۵۶.
۷. دوورژه، پیشین، ص ۷۷.
8. Norman Friedman, *The U. S. Maritime Strategy*, London: 1988, p. 57.
۹. عزت‌الله عزتی، سیاست‌های جغرافیایی خاورمیانه، تهران: انتشارات دانشکده افسری، ۱۳۶۴، ص ۳۸.
10. Christopher Hoch, *The Strait of Hormus Potential for Conflict*, <http://www.emerican.edu/ted/ice/hormus.htm>. 2008.
11. Britanica Concise Encyclopadia: Strait of Hormuz, <http://www.answers.com/topic/strait-of-hormuz>. 2008.
12. "The Encyclopedia of Earth", http://www.eoearth.org/article/strait_of_hormuz, 2009.
13. Anthony H. Cordesman, *Iran, Oil, and Strait of Hormuz*, Center for Strategic and International Studies, March 26, 2007.
۱۴. عرض تنگه هرمز در مناطق مختلف متفاوت است اما بین جزایر قوئین بزرگ عمان و لارک ایران که تردد کشتی‌ها از آن صورت می‌گیرد، ۳۸/۹ کیلومتر است.
15. R. K. Ramazani, *The Persian Gulf and The Strait o Hormuz*, Netherland: 1979, p. 5.
۱۶. وضعیت حقوقی تنگه هرمز تابع شرایط زمان است. در زمان صلح قوانین بین‌المللی دریایی از جمله کنوانسیون جدید حقوق دریاها مجری خواهد بود اما در زمان جنگ به‌ویژه حالتی که یکی از طرف‌های درگیر آن، دولت ساحلی تنگه باشد یعنی ایران، قوانین زمان صلح به حالت تعلیق درخواهد آمد و وضعیت حقوقی تنگه تابع قوانین و مقررات زمان جنگ خواهد بود. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: علی‌اصغر کاظمی، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸،

صص ۱۲۷-۱۱۹ و نیز:

- Mark J. Valencia, "U. S. Hypocrisy in The Strait of Hormuz", Policy Frum Online, NautilusInstitute, <http://www.nautilus.org/fora/security>. o 8213 velencia ht, l. 2010/01/27.

۱۷. درّه میرحیدر (مهاجرانی) «جغرافیای سیاسی طرح‌های تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز»، در: مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸، ص ۶۶۹.

18. S. H. Amin, *International and Legal Problems of The Gulf*, London: Middle East and North African Studies, Limited, 1981, p. 35.

19. *The Ministry of Information and Culture of the Sullanate of Oman*, Oman, Muscat, 1977, P. 26.

۲۰. هادی حسن، سرگذشت کشتی‌رانی ایرانیان از دیرباز تا قرن شانزدهم میلادی، مترجم: امید اقتداری، تهران: شرکت به‌نشر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲.

۲۱. سلطان سعید ابن تیمور در سال ۱۹۵۸، گوادر را که قسمتی از خاک عمان بود، به مبلغ سه میلیون پوند استرلینگ به پاکستان فروخت.

۲۲. محمدرضا حافظ‌نیا، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، تهران: سمت، ۱۳۷۱، ص ۴۷۱.

۲۳. همان، ص ۴۴۸.

24. *Government of the Sultanate of Oman*, Oman, Muscat, 1993, p. 18.

۲۵. حسین پیرنیا، ایران باستان، جلد دوم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷۴.

۲۶. عباس اقبال آشتیانی، مطالعاتی در تاریخ بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان، تهران: بی‌نا، ۱۳۲۸، ص ۱۶.

۲۷. حسن تقی‌زاده، از پرویز تا چنگیز، تهران: فروغی، ۱۳۴۹، ص ۳۵.

۲۸. احسان یارشاطر و دیگران، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، مترجم: حسن انوشه، جلد سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۲۹.

29. J. C. Wilkinson, "The Origins of Omani State", In: *The Arabian Peninsula Society and Politics*, C E D, Derek Hopwood, London: George Allen and unwin L. T. D, 1972, pp. 71-73.

۳۰. ناصر خسرو قبادیانی، سفرنامه ناصرخسرو، به کوشش نادر وزین‌پور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۶، ص ۱۰۷.

۳۱. صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر الحسینی، زیلدت التواریخ، اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی، مترجم: رمضان‌علی روح‌الهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰، ص ۸۹.

۳۲. محمدابراهیم خصیبی، سلجوقیان و غز در کرمان، مترجم: محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تهران: ظهوری، ۱۳۴۳، صص ۱۱-۱۰.

۳۳. محمد مدرس زنجان، جامع التواریخ، به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، جلد ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸، ص ۳۴۰.

۳۴. عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۳۹۲.

۳۵. برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، مترجم: محمود میرآفتاب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱، صص ۵۴-۱۵۳.
۳۶. رضا شعبانی، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: نوین، ۱۳۶۹، صص ۴۱۴-۴۱۲.
۳۷. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، چاپ هفتم، تهران: مدبر، ۱۳۷۵، صص ۴۰-۲۳۹.
۳۸. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، چاپ سوم، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۵، ص ۳۹۵.
۳۹. همان، ص ۴۳۰.
۴۰. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، جلد ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱، ص ۳۶۴.
۴۱. بهرام افراسیابی، ایران و تاریخ، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۶۴، ص ۲۸۶.
۴۲. بیژن اسدی، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: سمت، ۱۳۸۱، ص ۲۰۷.
۴۳. جان دوک آنتونی، «قیام و مداخله: جنگ در ظفار»، در: خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌المللی، عباس امیری (ویراستار) تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، ۱۳۵۴، ص ۴۹۳.
۴۴. همان، ص ۴۹۵.
۴۵. فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، مترجم: فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۲۸۰.
۴۶. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، جلد ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۷۰، ص ۵۶۰.
۴۷. جان دوک آنتونی، پیشین، صص ۹۱-۴۹۰.
۴۸. وزارت امور خارجه ایران، روابط ایران با کشورهای امارات عربی متحده، بحرین، عمان و قطر، تهران: ۱۳۵۵، ص ۸۹.
۴۹. همایون الهی، خلیج فارس و مسائل آن، چاپ هشتم، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴، ص ۵۳.
۵۰. اصغر جعفری ولدانی، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، صص ۵۶۳-۵۶۲.
۵۱. بهمن نعیمی ارفع، میانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۸۵.
52. *Economist*, 8 oct. 1988.
۵۳. نعیمی ارفع، پیشین، ص ۱۲۰.
۵۴. بنگرید به: واحد اطلاعاتی مؤسسه اکونومیست، مناقشه ایران عراق: پنج سال آینده ۱۹۸۷-۱۹۹۱، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۹۸۷.
۵۵. پل بون آنفان، شبه‌جزیره عربستان در حال حاضر، جلد دوم، مترجم: ابوالحسن سرو قد مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۸.

۵۶. اصغر جعفری ولدانی، ایران و مصر چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: مؤسسه انتشارات مرز فکر، ۱۳۸۷، ص ۷۲.

۵۷. کامران طارمی، «نگاهی به روابط نظامی امریکا و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در دهه ۱۹۹۰»، نشریه مجلس و پژوهش، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۵۵.

۵۸. بیژن اسدی، پیشین، ص ۴۹۰.

59. Ashraf Saeed EL-Essawy, "The [Persian] Gulf of the Twenty-First Century towards a Comprehensive Security Strategy", *The Persian Gulf Report*, Summer 1999.

۶۰. اصغر جعفری ولدانی، ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۱.

۶۱. همان، ص ۲۱۳.

۶۲. اطلاعات، اول اسفند ۱۳۷۳.

۶۳. اطلاعات، ۹ مهر ۱۳۷۶.

۶۴. «برداشت دیر هنگام از میدان مشترک هنگام»، اطلاعات، ۲۰ دی ۱۳۸۸.

۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۷.

۶۶. وزارت نفت، نفت و توسعه (۵) مروری بر اهم فعالیت‌های وزارت نفت ۱۳۸۳-۱۳۸۴.

۱۳۷۶، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۸۴، ص ۵۶.

۶۷. وزارت نیرو، ترازنامه انرژی سال ۱۳۸۴، تهران: دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی، ص ۴۳۹.

۶۸. اصغر جعفری ولدانی، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران:

انتشارات آوای نور، ۱۳۸۲، صص ۱۶۶-۱۶۵.

۶۹. «نگاهی به تأثیرات منطقه‌ای احداث خط لوله گاز ایران به هند»، روزنامه شرق، ۸

شهریور ۱۳۸۴.

۷۰. «خط لوله صلح کاتالیزور امنیت یا اقتصاد»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال

چهارم، شماره ۴۰، شهریور ماه ۱۳۸۵.

71. John F. Standish, *Persia and The Gulf: Retrospect and Prospect*, Survey: Curzon Press, 1998.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی